



شیوه نامه تدوین سند مشارکتی باز آفرینی محله هدف

معاونت فنی و نظارت

دفتر راهبری و هدایت طرحهای بازآفرینی شهری

یک. معرفی محله

در معرفی محله، اطلاعات تاریخچه‌ای، جمعیتی و اجتماعی، معیشتی (اقتصادی)، و کالبدی درج می‌گردد (خیلی طولانی و حجیم نشود و فقط معرفی محله باشد). شایسته است در معرفی محله، مرز محله، محله‌های همسایه و مساحت آن مشخصاً بیان شود و این مرز باید مورد توافق اهالی باشد. اگر تغییراتی توسط مردم در مرز محله صورت گرفته است حتماً بیان شود اگر اطلاعات توسط مشاور یا تسهیلمان جمع‌آوری شده است حتماً در نشست باید به اطلاع مردم محله برسد و اگر نکته یا نکاتی هست که مردم محلی یا اعضای گروه‌های محلی مطرح کردند، در این معرفی وارد شود. دقت کنید که مردم محلی باید احساس کنند که این معرفی از آن خود آن‌هاست. شایسته است تاریخ و محل این جلسه به‌علاوه اسامی شرکت‌کنندگان در سند در زیر معرفی یا در انتهای سند ذکر شود. این کار به سند شما اعتبار مشارکتی می‌بخشد. دقت کنید معرفی محله باید به‌گونه‌ای باشد که یکی از نمایندگان محلی بتواند در ستاد بازآفرینی شهرستان یا نهاد توسعه محله‌های شهر از آن دفاع نماید. در معرفی محله لازم نیست که به مسائل محله اشاره شود یا اگر می‌شود خلاصه‌ای از آن باشد). به یاد داشته باشید که بخش دیگری برای وضع موجود داریم که در آن به دارایی‌ها و مسائل محله می‌پردازیم.

دو. چشم‌انداز محله

پیش از آن که درگیر تدوین چشم‌انداز محله شویم باید تصمیم بگیریم که چه فرآیندی را پیش خواهیم گرفت. اگر محله بزرگ است (و چندین زیر محله دارد) در این صورت، خوب است که برای هر زیر محله چشم‌اندازی داشته باشیم و بعد این‌ها در یک چشم‌انداز جمع‌بندی شود. اگر تعداد گروه‌های محلی زیاد است، می‌توانید از هر گروه، دو یا سه نماینده به جلسه تدوین چشم‌انداز دعوت کنید. بعد چشم‌اندازی که در این گروه حاصل می‌شود، را به میان هر یک از گروه‌ها هم جداگانه ببرید و مطمئن شوید که همین چشم‌انداز محله خواهد بود. اگر محله کوچک است، می‌توانید در یک جلسه چشم‌انداز را کامل کنید. وقتی که تصمیم گرفتید که چه روشی خوب است، فراموش نکنید که همین روش باید در متن سند توضیح داده شود. برای همین درجایی قبل از متن چشم‌انداز محله درباره روش، تاریخ و مکان جلسات توضیح خواهید داد. بدین طریق، روش هم مستند خواهد شد.

بعد از آن که روش را یافتید، بهترین کاری که برای تدوین چشم‌انداز انجام خواهید داد چنین خواهد بود:

به هر یک از شرکت‌کنندگان یک کاغذ ۱۰ در ۳۰ سانتیمتر (یک‌سوم یک کاغذ ۴) و یک ماژیک بدهید. از آن‌ها بخواهید در طول کاغذ بنویسند.

سپس از شرکت کنندگان بخواهید که به آینده بروند. حداقل پنج سال دیگر را تصویر کنند. اگر همه اتفاقات خوب رخ دهد، اگر همه کارهای خوب در محله انجام شود، اگر همه دست به دست هم دهند، اگر گروه‌ها در محله فعال باشند، اگر بتوانند با هم محله را بسازند، چگونه محله‌ای خواهند داشت. به آن‌ها بگویید که توانایی‌های محله را در نظر بگیرند.

اینک از آن‌ها بخواهید که آنچه را که فکر می‌کنند روی کاغذها بنویسند. تلاش کنند که آنچه نوشته می‌شود با دارایی‌های محله خوانایی داشته باشد. می‌توانید پیوسته به آن‌ها یادآوری کنید.

وقتی که کاغذها نوشته شد، آن‌ها را به‌طور مرتب روی دیوار یا وایت برد نصب کنید. یک کاغذ بزرگ (۱۰۰ در ۷۰ سانتی‌متر آماده داشته باشید) در کنار این کاغذهای نوشته شده داشته باشید. اینک از هر کاغذ نوشته شده، کلیدواژه‌هایی را استخراج کنید. روی کاغذ بزرگ، در وسط یک دایره بکشید و داخل دایره بنویسید: چشم‌انداز محله ... (تاریخ امروز را هم در داخل دایره بگذارید که بعداً فراموش نکنید که این چشم‌انداز چه زمانی تدوین شده است. این دایره در مرکز کاغذ بزرگ است. اینک کلیدواژه‌های استخراج شده از کاغذها را حول دایره چشم‌انداز و بیرون آن یادداشت کنید. می‌توانید با یک فلش از دایره مرکزی را به کلیدواژه یادداشت شده متصل کنید. اگر کلیدواژه‌ای تکرار می‌شود با عدد جلوی کلیدواژه نوشته شده روی کاغذ بزرگ مشخص کنید. پس از آنکه همه کاغذها را خواندید و همه کلیدواژه‌ها را استخراج کردید، و در کاغذ بزرگ نوشتید، اینک نوبت کار روی واژه‌ها می‌شود.

در این مرحله دقت کنید که کلیدواژه‌ها نباید ناظر به یک اقدام یا فعالیت باشند بلکه حاصل اقدام یا فعالیت در بلندمدت هستند. برای مثال روی یکی از کاغذها نوشته شده است: برای مردم محله دوره آموزشی درباره گردشگری گذاشته‌اند. از این جمله دو کلیدواژه استخراج می‌شود: یکی گردشگری و دیگری آموزش. ولی آموزش یک فعالیت است و گردشگری هم یک فعالیت. حاصل گردشگری می‌تواند مردم توانمند باشد، و حاصل آموزش می‌تواند مردم دانا و توانا باشد. از سوی دیگر حاصل فعالیت گردشگری می‌تواند این باشد که محله به‌صورت قطب گردشگری شهر در آمده است. در این صورت محله قطب گردشگری شهر است، مردم توانا، و مردم دانا پیرامون دایره نوشته می‌شود.

درست است که اینک به "آموزش" اشاره نمی‌شود اما فراموش نکنیم که بعداً در راه‌کارها حتماً آموزش به‌عنوان یک راه‌حل مطرح خواهد شد. دوم اینکه یادمان نرود که چشم‌انداز ناظر به دور است، و لذا جنس واژه‌های آن از جنس وضعیت است و نه فعالیت.

وقتی که همه کلیدواژه‌ها استخراج شدند، یک بار شکل به وجود آمده (نقشه ذهنی چشم‌انداز) را با مردم حاضر در جلسه چک می‌کنیم. آیا همه چیز دیده شده است؟ چیزی از قلم نیفتاده است؟ آیا کلیدواژه‌ها به‌دقت

استخراج شده‌اند؟ بعد که خیالمان راحت شد که این همان است که مردم خواسته‌اند، اینک به سراغ بخش بعدی می‌رویم.

در این بخش، باید جمله چشم‌انداز را بنویسیم. جمله چشم‌انداز می‌تواند عبارتی به شکل زیر باشد:

در سال ۱۴۰۲، مردم محله توانمند و شاد، در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند. حمام قدیمی محله بازسازی و هدف گردشگری قرار گرفته است. فضای سبز محله گسترش یافته و قبرستان فعلی به پارک و فضای سبز جهت استفاده‌های محل و مردم شهر تبدیل شده است. آسفالت و جاده‌سازی، مسیر رفت‌وآمد محله، ایاب و ذهاب را برای اهالی ساده نموده است. درمانگاه محله مرکز درمانی مفید و فعال در منطقه گردیده و به تمامی محل‌های مجاور آماده خدمت‌رسانی است. مدرسه موجود در محله دارای کتابخانه و مجتمع ورزشی است.

البته جمله فوق می‌تواند به لحاظ فنی اشکالاتی داشته باشد اما جمله‌ای بوده است که اهالی بر سر آن توافق کرده‌اند. ممکن است در زیر چشم‌انداز، لازم باشد که برخی از کلمات تعریف شوند.

در محله دیگری، ممکن است که چشم‌انداز کوتاه‌تر باشد:

در سال ۱۴۰۵، محله غلامجان، محله‌ای است پویا، امن و مناسب برای زندگی اهالی آن که در آن فعالیت معیشتی، همخوان با هویت تاریخی و فرهنگی محله جریان دارد.

در چشم‌انداز فوق، شاید لازم باشد که واژه‌های "پویا"، "امن" و "مناسب برای زندگی" تعریف شود. شاید حتی لازم باشد که کمی درباره هویت تاریخی و فرهنگی محله در ذیل چشم‌انداز توضیحاتی داده شود.

مشاور مجاز است که برخی از کلمات که بار فنی دارند، در بخش توصیف در زیر چشم‌انداز وارد کند به شرطی که حتما این موضوع را با نمایندگان محلی در میان بگذارد.

هنگامی که چشم‌انداز نهایی شد، شایسته است که تا جایی که ممکن است چشم‌انداز به اشتراک گذاشته شود تا اهالی بیشتری در جریان آن قرار گیرند.

شاید در اینجا موضوع خلاقیت مطرح شود. این که چشم‌اندازی خلاقانه برای محله تدوین شود. این نیازمند این است که تسهیلمان ما صبوری کنند. با تمام وجود بتوانند بارش افکار را پیاده سازند. چند بار مرور کنند. پرسش اصلی را به شیوه‌های مختلف مطرح کنند. خسته نشوند. و باور داشته باشند که سرانجام ممکن است ایده‌ای به ذهن شرکت‌کنندگان بیاید که از آن استقبال شود.

سه. وضع موجود محله و مسئله‌های محله

وضع موجود محله با کمک نمایندگان گروه‌های محلی و با مشارکت فعال و آگاهانه آن‌ها تدوین می‌شود. ممکن است که تسهیلگر تشخیص دهد که لازم است که چند نشست متمرکز (Focus Group Discussion) برگزار شود. برای مثال، در محله کاری شما، دو گروه قوی وجود دارند: یکی گروه زنان فعال در زمینه تولید صنایع دستی، و گروه دیگری در زمینه گردشگری. اما لازم است که برای بررسی وضع موجود، نشستی با کسبه داشته باشید. لازم است که تعدادی از آن‌ها را بیابید و به این جلسه دعوت کنید، یا برای مثال، نشستی را با نوجوانان محله داشته باشید. این گروه‌های متمرکز نقش مهمی را در تعیین وضع موجود و راه‌کارهای آن خواهند داشت.

وضع موجود (که در ادبیات برنامه‌ریزی به داده‌های پایه مشهور است (baseline)) مشخص می‌کند که وضع امروز محله چگونه است. دقت کنید تفاوت وضع موجود با معرفی محله در این است که معرفی فقط می‌گوید که محله کجاست، موقعیت جغرافیایی آن چیست؟ مرزهای آن کجاست؟ چقدر جمعیت دارد، مردم چه معیشتی دارند؟ رابطه آن با بخش‌های دیگر شهر چگونه است؟ اما در وضع موجود، ممکن است اطلاعاتی درج گردد که در طی برنامه توسعه محله، لازم باشد که بهبود یابد. برای مثال، ممکن است که تعداد بیکاران در محله، یا تعداد خانه‌های نیازمند مستحکم سازی، یا حتی فضاهایی که در محله مورد استفاده معتادان قرار می‌گیرد در وضع موجود محله بیاید، یا اینکه محله فاقد یک برنامه گردشگری مدون است، یا اینکه لازم است که همکاری میان مردم محله افزایش یابد. ممکن است که محله از دفع آب‌های سطحی رنج ببرد یا مسئله فاضلاب یک مسئله جدی باشد یا لازم باشد که معابر تعریض شوند یا حتی اصلاح هندسی صورت گیرد یا فضای سبز مورد احتیاج محله باشد، ممکن است که ظاهر محله زیبا نباشد، یا اینکه موبایل همراه اول در برخی از بخش‌های محله آنتن دهی نداشته باشد.

وضع موجود محله دارای دو بخش مهم است: یکی دارایی‌ها محله. و دوم وضعیت نابسامان محله. البته می‌توان از روش ارزیابی عوامل درونی و بیرونی (SWOT) استفاده کرد (نقاط قوت، نقاط ضعف و فرصت‌ها و تهدیدها). باز هم در این بخش، دارایی‌ها (نقاط قوت و فرصت‌ها در بیرون از محله) و مسئله‌ها (نقاط ضعف محله و تهدیدها) مشخص شوند. ممکن است که این کار تحت عنوان داشته‌ها و نداشته‌های محله صورت گیرد و در همان هفت بخش دسته‌بندی شود. ممکن است که این کار را برحسب متن چشم‌انداز تدوین کرد که با توجه به هر واژه یا مفهوم در چشم‌انداز، چه چیزی کم است یا اندازه‌ای از آن در محله هست ولی باید بهبود یابد.

برای مثال، در چشم‌انداز آمده است که "در سال ۱۴۰۵، محله باران، محله‌ای است زیبا،" و در بخش وضع موجود، زیبایی امروز محله مورد بررسی قرار می‌گیرد: کوچه‌های خاکی که ممکن است منظر بدی درست کرده باشد، یا وضعیت ظاهری ساختمان‌ها، یا درخت کاری نامناسب در محله یا هر چیزی دیگری که از نظر مردم محله وضع بصری محله را به هم ریخته است.

به هر حال در وضع موجود لازم است که وضعیت امروز محله مشخص شود؟ از چه رنج می برد؟ چه چیزهایی را ندارد؟ و البته چه چیزهایی را دارد؟ و برای بهتر شدن وضع و حرکت به سمت چشم انداز چه کم دارد؟

دارایی های محله – باید توسط اهالی یا نمایندگان آنها مشخص شود. (باز هم لازم است در سند بیاید که این دارایی ها در کدام نشست و در چه روزی با حضور چه کسانی مشخص شده است). بهترین کار در این بخش این است که در یک نقشه محله، این دارایی ها مشخص شود. حتی اگر نقشه با دست کشیده شود، مانعی ندارد. اما ضرورت دارد که این کار حتماً توسط مردم محلی انجام شود که آنان دارایی های خود را بشناسند. این دارایی ها می تواند شامل دارایی های فیزیکی، انسانی، اجتماعی، طبیعی، اقتصادی، نهادی و فرهنگی باشد. ممکن است که در نقشه برخی اتفاقات تاریخی را که به محله اهمیت دوچندانی می دهد مشخص کنید. حتماً در این بخش لازم است که یک نقشه که به دست محلی ها کشیده شده است و در آن منابع چندگانه محله در آن آمده است گنجانده شود.

اینک با توجه به چشم انداز محله وضع موجود آن، مسئله های محله را مشخص کنید. مسئله ها در واقع فاصله بین وضع موجود و چشم انداز است. در این جلسه حتماً چشم انداز را با خط درشت و خوانا روی دیوار محل جلسه داشته باشید. لازم است که تسهیلگر پیوسته به آن برگردد و یادآوری کند که در چشم انداز چه داشتهاید. اینک بگویید که برای رسیدن به آن چشم انداز، چه مسئله هایی امروز دارید. این ها وضع موجود محله هستند.

ممکن است یک فهرست بیست تا سی مسئله نوشته شود. تلاش کنید که مسئله ها به صورت جمله باشد. دقیق باشد. و البته مسئله باید به گونه ای باشد که بتوان از عهده اش برآمد یا حداقل بشود که برایش کاری انجام داد. تعدادی مسئله در زیر ارائه شده است:

- محله ما نیاز به یک زمین فوتبال با چمن مصنوعی برای نوجوانان محله دارد.
- در محله ما، بیش از صد معتاد زندگی می کنند که باید به وضعیت آنها رسیدگی کرد.
- پارک محله، تبدیل به مکانی برای خرید و فروش مواد مخدر شده است.
- خیابان اکبری در محله خاکی است و لازم است که آسفالت گردد.
- در محله، سی و دو خانه است که ساکنان آن فکر می کنند که منزلشان باید نوسازی شود اما توان مالی ندارند.
- در محله، یک گروه سازمان یافته برای فعالیت های گردشگری وجود ندارد.
- پارک محله ما نیازمند رسیدگی عاجل است زیرا تقریباً به حال خود رها افتاده است.
- سی زن سرپرست خانوار در محله است که باید به وضعیت معیشتی آنها رسیدگی کرد.
- در محله ما، یک حمام قدیمی ارزشمند است که به صورت متروکه افتاده است.

- در محله ما، پیش از این هیئت امنایی وجود داشت که مدیریت محله را به عهده داشت. اینک آن هیئت مدیره دیگر وجود ندارد.
- در محله ما، هنر دستی گلیم بافی به فراموشی سپرده شده است.
- در محله ما، نیاز به ایجاد یک بازارچه محلی صنایع دستی وجود دارد.
- محله ما، نیازمند یک پیاده راه سلامت است که همه شهر از آن استفاده کنند.

در اینجا لازم است دو نکته را در نظر داشته باشیم :

یک) هر مسئله باید تا جایی که امکان دارد کمی شود. برای نمونه اگر آسفالت کوچه ها به عنوان مسئله مطرح شده است، آنگاه مساحتی که لازم است آسفالت انجام شود چقدر است. آیا زیرسازی نیاز دارد؟ چه فعالیت دیگری باید انجام شود (مانند جدول سازی)؟ دقیق تر شدن مسئله و کمی شدن کمک می کند که راه حل ها بعدا دقیق تر برنامه ریزی شوند.

دو) باید دقت کنیم که این مسئله ها در پنج محور برنامه های باز آفرینی قابل تقسیم باشد: یک) بهسازی، نوسازی و مقاوم سازی مسکن (نیاز به مشوق ها و بسته های حمایتی برای نوسازی یا تجمیع، وجود خانه های در حال ریزش در کوچه های کم خطر، یا سکونت در حرایم پرخطر)؛ دو) توسعه و تجهیز امکانات و خدمات روبنایی (مانند نیاز به بهره مندی از یک فرهنگسرا یا مرکز فرهنگی در محله؛ یا تجهیز خانه بهداشت محله یا نیاز به راه اندازی یک کتابخانه در محله، و مواردی از این دست)؛ سه) بهسازی و ارتقای شبکه تأسیسات و زیرساخت ها (مانند مسئله های مربوط به آب، فاضلاب، برق، گاز، تلفن، تلفن همراه، بهسازی خیابان ها و میدان های محله، ساماندهی فضاهای کنار آب، پایانه داخل محله)؛ چهار) توسعه و تجهیز فضاهای عمومی و همگانی؛ و پنج) ارتقای توانمندی های اجتماعی، اقتصادی و نهادی در محله.

سه) حتما یک بار همراه با مردم چک کنید که هر یک از مسئله ها در جهت و راستای تحقق چشم انداز محله هستند.

چهار) نکته دیگری که مهم است به یاد داشته باشیم و هنگام بیان مسئله ها باید به نمایندگان محلی یادآوری کنیم این است که مسئله ای را بیان نکنیم که قابلیت اجرایی در کلیت شهر نداشته باشد. برای مثال درست در نزدیکی محله یک بازارچه محلی است و نمایندگان محلی هم بیان کنند که این محله هم به بازارچه نیاز دارد. ممکن است که لازم باشد که توافقاتی با همسایگان شود که امکان دسترسی به بازارچه آنها فراهم شود. یا برای مثال، نگوئیم که در محله نیاز به باند هلیکوپتر داریم وقتی که این مسئله قابل حل در محله نباشد زیرا که برای مثال این کار در کلیت یک محله شهری قابل انجام نباشد. بخشی از این مسئله نیازمند یک رویکرد فنی نسبت به

مسائلی است که مطرح می شود. در این خصوص، لازم است که تسهیلگران صبوری کنند و با حوصله و اگر لازم است چندین بار موضوعات را دقیق توضیح دهند.

چهار. مسئله‌های در اولویت

اینک باید با مشارکت مردم و با تکیه بر نظرات آن‌ها، این مسائل فهرست شده را اولویت‌بندی کنیم یادتان باشد که نتیجه اولویت‌بندی باید به‌گونه‌ای باشد که حداقل بیست درصد مسائل به‌عنوان اولویت انتخاب شوند. ممکن است که بیشتر از این نیز انتخاب شود. با توجه به نظرات مردم، می‌توانید چند مسئله را از محورهای پنج گانه فوق انتخاب کنید. البته این دیگر اولویت‌بندی نیست ولی دقت کنیم که موافقت مردم در این انتخاب ضروری است. در سند توسعه محله، لازم است که حتماً فهرست مسائل آمده باشد. هر روشی که برای اولویت‌بندی انتخاب می‌کنید لازم است که در باره آن توضیح داده شود.

پنجم. راه کارهای اقدام محله محور

اینک برای هر مسئله باید راه‌حلهایی مطرح شود. می‌توانید از درخت مسئله و درخت مشکل استفاده کنید (در کارگاه آموزشی فراگرفته‌اید که چگونه فرآیند حل مسئله را با استفاده از درخت مسئله و درخت مشکل تسهیل کنید). می‌توانید از روش‌های دیگر حل مسئله استفاده کنید. ممکن است که برای یک مسئله چندین راه‌کار پیشنهاد شود. برای هر راه‌کار، باید مشخص کنید که چه اقداماتی باید صورت گیرد، با چه بودجه‌ای (چقدر هزینه می‌برد)، توسط چه کسی و چه نهادی باید انجام شود، با چه سهمی از مردم محله (ممکن است که مردم محله کار داوطلبانه بگذارند یا آماده همکاری باشند)، و با تکیه بر کدام دارایی‌ها باید انجام شود، در چه مدت‌زمانی؟ این‌ها را می‌توانید (به همراه برخی از اطلاعات تکمیل‌کننده) در یک جدول بیاورید.

در اینجا چند نکته ضروری است: ابتدا سهم محلی‌ها. این خیلی مهم است که در برنامه توسعه محله نه تنها سهم محلی‌ها به دقت مشخص شود، بلکه معین گردد که مردم محلی با راهبری یا مدیریت مرکز توسعه محله، قرار است که چگونه مشارکت کنند. ممکن است که حتی در برنامه توسعه محله، بخش‌هایی فقط توسط خود محلی‌ها انجام شود. هر اندازه این موضوع دقیق تر مشخص شود بهتر خواهد بود.

اما در همین جا باید اقداماتی که لازم است توسط نهادهای دولتی محقق گردد نیز مشخص گردد. اگر برای بخش دولتی هر سهمی در نظر گرفته می‌شود باید مطمئن باشید که آن بخش دولتی حتماً آن کمک یا مساعدت را می‌کند. این کار را با دقت روشن سازید.

وقتی که راه کاری برای مسئله ای مشخص می شود، لازم است که با محلی ها تمرین هفت کلاه تفکر را انجام دهیم این کار کمک می کند که راه کار، منطقی تر شود و درعین حال که از چند منظر متفاوت مورد بررسی قرار می گیرد، یک بار هم از نگاه شهرسازی نیز مرور گردد.

ششم. چگونگی تدوین سند محله

اینک سند تقریباً آماده شده است. البته باید در این قسمت از سند مشخص کنید به چه مسائلی نپرداخته اید و در چه زمانی به آن ها خواهید پرداخت. همچنین باید مشخص کنید که این سند توسط چه کسانی و در چه جلساتی در چه روزهایی تدوین شده است و در هر بخش، میزان مشارکت اهالی چگونه بوده است. باید وقتی که کسی سند را می خواند متوجه شود که این سند مشارکتی تهیه شده است. نکته دیگر این که می توانید بخش های مربوط به فرآیند تهیه را در این قسمت بیاورید (یا هر مورد را در بخش خودش توضیح دهید).

همچنین ممکن است که در همین بخش پایانی، تحلیلی از ذی نفعان مرتبط را نیز انجام دهید. این کار باز هم با مشارکت فعال و آگاهانه نمایندگان گروه های محلی صورت می گیرد. برای روش تحلیل ذی نفعان به پیوست دستورالعمل باز آفرینی مراجعه کنید. این تحلیل را با این هدف انجام می دهید که معین کنید که ذی مدخلان متفاوت چه نقشی دارند و چگونه محله را با تصمیم های خود تحت تأثیر می گذارند. این تحلیل می تواند با توجه به چشم انداز یا با توجه به مسئله های در اولویت انجام شود. در این حالت، مردم محلی بهتر می دانند که هر بخش دولتی یا گروه های غیردولتی یا حتی ذی نفعان بخش خصوصی یا دانشگاه ها چه نقشی در محله دارند.

چند ملاحظه مهم

ملاحظه یک: تعیین وضع موجود می تواند پس از چشم انداز باشد یا پیش از آن. این بستگی به رویکرد مشاور در این زمینه دارد.

ملاحظه دو: برای اینکه بتوانید مراحل تدوین سند را طی کنید، لازم است که حتماً تسهیلهای حرفه ای باشید که:

- با "بارش افکار" به عنوان یک تکنیک پایه آشنا باشد و بداند که چگونه یک فرآیند خلاقانه بارش افکار را می تواند به پیش ببرد.
- با روش تسهیل ارزیابی عوامل درونی و بیرونی (SWOT) آشنا باشد.
- متن مربوط به دارایی های محله را با دقت خوانده باشد.
- با روش های اولویت بندی به خوبی آشنا باشد و بتواند با توجه به ترکیب شرکت کنندگان و زمان در دسترس و حوصله شرکت کنندگان یکی را انتخاب کند و به کار گیرد.

- بتواند روش درخت مسئله و درخت هدف را برای هر یک از راه کارها تسهیل کند.
- با روش هفت کلاه تفکر آشنا باشد و بتواند آن را به کار گیرد.
- تسهیلمان بتوانند به گونه ای از افراد منبع (resource persons) و افراد کلیدی (key persons) در جریان تدوین سند استفاده کنند.